

## حضور مدیران تامین اجتماعی در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

مدیرعامل و جمعی از مدیران سازمان تامین اجتماعی همراه با اقبشار مختلف مردم در مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شرکت کردند. دکتر سیدقتی نوربخش در پیامی درگذشت این عالم و مبارز نستوه و بار دیرین امام را تسلیت گفت و در بخشی از پیام خود ایشان را یکی از پیشگامان برقراری عدالت اجتماعی و مدافعان استقرار نظام و تامین اجتماعی جامع خواند که دغدغه ایشان، گسترش چتر حمایتی رفاه اجتماعی و همبستگی و یکپارچگی نظام رفاهی بود. مدیرعامل تامین اجتماعی در بخش دیگری از پیام خود نوشته است: «قانون بیمه‌های اجتماعی و همچنین ساختار نوین بیمه‌های اجتماعی که در زمان ایشان پایه‌گذاری شد نشان می‌دهد که ایشان سیاستمداری بودند که به توسعه همراه با رفاه اجتماعی اعتقاد عمیقی داشتند.»

یکشنبه ● ۲۶ دی ۱۳۹۵ ● شماره هشتاد و هشت

ا ت ی ۷ ۸ ۹

# توسعه را همراه با عدالت می‌خواست

ادامه از صفحه ۹

■ **با این پیش‌درآمدی که از شخصیت و منش ایشان ارائه کردید، نگاهی کنیم به کارنامه ایشان در زمینه سیاست‌گذاری برای تنظیم بازار کار و فضای تولید کشور، خاصه سال‌های بعد از جنگ و آن زمان که سکان دولت را به دست گرفتند.**

چند شاهکار بزرگ در این زمینه از ایشان بر جای مانده است. یکی از آن‌ها، مجموعه خطبه‌های نماز جمعه است که از سال‌های اولین بعد از پیروزی انقلاب تحت عنوان عدالت اجتماعی خوانده می‌شد. شاید بیش از ۴۰ خطبه نماز جمعه در تمام سال‌های ۶۲ تا ۷۲ مستقیما به بحث عدالت اجتماعی از نگاه انقلاب اسلامی و نظام تحقق آن مربوط بود و در آن‌ها ابعاد مختلف نگرش حکومت اسلامی به فقرا، برنامه‌ریزی برای ارتقای مناطق محروم، توزیع عادلانه ثروت و منابع تبیین می‌شد. یادم هست سال ۸۴، وقتی معاون وزیر رفاه بودم، خدمت ایشان رسیدم و گفتم حلاوت خطبه‌های عدالت اجتماعی شما هنوز کام ما را شیرین می‌کند و خاطر ما از آن مباحث خالی نمی‌شود، ایشان در کمال تواضع گفتند که آن حرف‌ها، حرف‌های من نبود حرف‌های اسلام بود.

■ **مفهوم عدالت اجتماعی مفهومی شاید دست‌نیافتنی به نظر برسد؛ یکی از زیر مجموعه‌های عدالت اجتماعی بالا بردن سطح رفاه است. مصداق این مفهوم در روزهای دشوار بعد از جنگ، روزهایی که اقتصاد و وضعیت خوبی نداشت، در رفتار و عملکرد دولت هاشمی رفسنجانی چگونه متبلور می‌شد؟**

ایشان نقشه‌ها در آن سال‌ها بلکه در تمام سال‌های حیاتشان، بر مدار عدالت اجتماعی سخن رانند و سیاست‌گذاری کردند. همانطور که اشاره کردید شرایط بعد از جنگ شرایط خاصی بود. باید روحیه مردم بازسازی می‌شد و افق‌هایی از امید به آینده شکل می‌گرفت، در چنین شرایطی، سیاست‌های سازندگی سامان پیدا کرد و در قالب این سیاست‌ها مجموعه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و به‌خصوص مدیدن امید در فضای اجتماعی و اقتصادی در دستور کار قرار گرفت و صاحبان سرمایه و کارآفرینان، امید و علاقه حضور در صحنه را در خود یافتند. البته در آن شرایط وخیم اقتصادی پس از جنگ، تورم در مقاطعی افزایش پیدا کرد و مسائل اجتماعی مختلفی رخ داد؛ اما دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی این عوارض را به‌خوبی شناسایی کرد و در سال‌های آخر دولت، سیاست‌های تعدیل‌کننده مانند کنترل نرخ ارز، و دیگر کنترل‌های بانک مرکزی بر قیمت‌ها در پیش گرفته شد. مجموعه این اقدامات در نهایت توانست آثار تومری را مهار کند و دوباره شرایط کشور را در شرایط پایدانی قرار دهد. علاوه بر این موارد که منبعث از تصمیمات خاص اقتصادی بود، نقش ایشان در برنامه بسیار دقیق دیپلماسی و سیاسی از اهمیت بسزایی برخوردار است، برنامه‌ای که بعد از حمله صدام به کویت ایشان آن را در پیش گرفت. به این نقش ایشان کمتر پرداخته شده است. آن زمان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در کسوت رئیس شورای عالی امنیت ملی وقت ایران، مکاتبات و نامه‌هایی را با صدام به‌عنوان رئیس جمهور وقت عراق ردوبدل می‌کردند. در آن مکاتبات، ایشان مسائل بسیار عمیق دیپلماتیکی را دنبال کردند به‌طوری‌که آن‌ها توانستند قدم‌به‌قدم صدام را

## وداع باشکوه...

مردم ق‌دردان ایران، با حضور میلیونی خود در مراسم تشییع، پیکر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را تا آرامگاه ابدی‌اش در جوار بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بدرقه کردند.



به این سمت پیش ببرند که از تمام ادعاهایی که در شروع جنگ کیده بود عقب‌نشینی کند و رسماً قطع‌نامه ۱۹۷۵ را بپذیرد. در نتیجه این روند، تصمیماتی برای مبادله اسرا اتخاذ شد؛ بازگشت اسرا چشنی ملی را به دنبال خود آورد که مرهمی بر دردها و آلام خانواده شهدا و بستگان آزادگان بود. این مسئله در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی و امید و بالندگی بسیار موثر واقع شد.

■ **به بحث ارتقای سرمایه اجتماعی اشاره کردید. بخش بزرگی از اعضای جامعه را کارگران و نیروی کار کشور تشکیل می‌دهند. نگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به نیروی کار کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بحث قانون کار در طول سال‌های بعد از انقلاب با چالش‌های مختلفی مواجه بود و در مقاطعی حتی برخی از مدیران معتقد به نوعی لیبرالیزه کردن فضای کار بودند، یعنی واگذار کردن نیروی کار و نرخ حداقل حقوق و دستمزد به بازار و اینکه درواقع حمایت‌هایی که در قانون کار از جامعه کارگری صورت می‌گیرد به حداقل برسد. ایشان اما کاملاً در مقابل این نگاه و دیدگاه ایستادی می‌کردند و یقین داشتند که باید جامعه کارگری مورد حمایت قانونی قرار بگیرد. ایشان معتقد بودند که دولت به اعتبار حکمران و پاسخگو بودنش، باید زمینه‌های حمایت از جامعه‌ای را فراهم کند که ممکن است گاه به حقوق خودشان آگاهی نداشته باشند.

بارها به مسئولان گوشزد می‌کردند که نیروی کار که عامل اصلی تولید است در جامعه مورد ظلم قرار نگیرد، در عین حال فضایی از امنیت اجتماعی و شغلی هم وجود داشته باشد که در آن هم کارگر و هم کارفرما احساس امنیت کنند. درواقع مدل مدنظر ایشان، که امروز هم بر همین روال است، مشارکت کارفرمایان، کارگران و دولت در ساختارهای بیمه، تامین اجتماعی، شوراهای حل اختلاف کارگری و... و به‌نوعی سه‌جانبه‌گرایی در روابط کار بود. در نگرش آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، دولت به‌عنوان حکمران خوب باید نقش واسطه‌ای را بین گروه‌های مختلف فعال در فضای کار ایفا کند و زمینه‌های دستیابی گروه‌های فقیر و مستضعف به حقوق پایه‌ای خودشان را فراهم کند.

■ **آیت‌الله هاشمی رفسنجانی طی سال‌ها حضور در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی، خصوصاً در سال‌های اخیر تأکید زیادی بر بحث ارتقای آگاهی‌های اجتماعی داشتند و منشأ تحولات را مردم و آگاهی‌های اجتماعی و حضور مردم در صحنه می‌دانستند. چنین نگرشی از چه اندیشه و آرمانی منبعث می‌شود؟**

این ایده تفسیری از آیه شریف «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا بانفسهم» است که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در بسیاری از

سخنرانی‌هایشان به آن اشاره می‌کردند. یعنی خداوند وضع و حال هیچ قومی را عوض نخواهد کرد مگر آنکه آن‌ها خودشان وضع و حال خودشان را تغییر دهند. ایشان به فهم و شعور جامعه ایمان داشتند و در بسیاری از تصمیم‌گیری‌هایشان نظر مردم را لحاظ و آن‌ها را به مشارکت دعوت می‌کردند. البته در کنار این تفکر به دام عوام‌گرایی و پیوپولیسم نمی‌افتادند. شاید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، که از تفکر استراتژیک ایشان برمی‌خیزد، مخالفت شدید با عوام‌فریبی و عوام‌گرایی در اداره کشور بود. می‌گفتند که باید در حکومت، مصالح کشور را در نظر بگیریم و برای مردم توضیح دهیم که گاهی مصلحت بلندمدت جامعه با پاسخ به خواسته‌های کوتاهمدت ایشان منطبق نیست.

یادم هست به‌امی گفتند که در عرصه بیمه‌های اجتماعی، جهان بحث بین‌نسلی بودن بیمه‌ها را مورد توجه قرار داده است و نباید اجازه داد که منابع نسل‌های آینده فقط برای رفاه نسل فعلی هزینه شود. در مجموع غیرتی که در مورد حقوق کار، حفاظت از نظام تامین اجتماعی، و پایدارسازی منابع بیمه‌های اجتماعی به خرج می‌دادند و همچنین نگرش‌هایی که به حوزه‌های دیگر مانند سلامت، آموزش و اهتمامی که در رسیدگی به مناطق محروم داشتند همه از این نگاه برمی‌خیزد.

به یاد دارم در دوران ریاست‌جمهوری، سفری به استان سیستان و بلوچستان داشتم. آن موقع دریاچه هامون آب داشت و یک ظهر ایشان برای ناهار از این دریاچه ماهی صید کردند تا به مردم آن منطقه نشان دهند که صنعت شیلات می‌تواند ارزش افزوده‌ای ایجاد کند و منجر به

کار و جذب گردشگر و ارتقای شرایط زندگی شود. البته با اتفاقات اقلیمی آن منطقه و خشکسالی‌های گسترده این امر محقق نشد. به هر حال نگاه و عنایت ایشان به مناطقی مثل سیستان، شاگرد، نهبندان، رودان، جاسک و... حاکی از ضرورت توانمندسازی و ارتقای ظرفیت‌ها داشت.

■ **به طور مشخص در حوزه حمایت از اقبشار آسیب‌پذیر، دولت آیت‌الله هاشمی در قوانین بودجه، چه سیاست‌های خاصی را برای رسیدگی به مناطق محروم لحاظ می‌کرد؟**

به صورت مشخص در تبصره ۳ و ۵۳ قوانین بودجه، وام و تسهیلات برای مناطق محروم، جوانان، جانبازان و خانواده شهدا با سود بسیار پایین شبیه قرض الحسنه لحاظ شده بود. بسیاری از جریانات تولیدی و کارآفرینی در مناطق محروم با استفاده از این سیاست‌های ترجیحی سامان پیدا می‌کرد و شکل می‌گرفت. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی معتقد بود سیاست‌های ترجیحی دولت برای انتقال سرمایه‌ها به این مناطق باید سازمان پیدا کند و بسیار به این موضوع توجه می‌کردند، به‌طوری‌که در تمام اویاج بودجه در دوران مسئولیت ایشان و نیز دولت بعد از ایشان نیز این موضوع وجود داشت. ولی در دولت‌های نهم و



## کتیبنو | ۱۱



## سایه‌های شک و تردید بر سر نظام جامع رفاه

ادامه از صفحه ۲

بنابراین می‌توان گفت سازمان بیمه سلامت ایرانیان یکی از اجزا و دستگاه‌های اجرایی حوزه بیمه درمان، ذیل نظام رفاه و تامین اجتماعی است که برخلاف سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه از ساختار خود جدا شده است. علاوه بر تاکید و توصیه‌های سازمان جهانی بهداشت بر این نکته که بدون جدایی خریدار از ارائه‌دهنده خدمات سلامت، امکان استقرار خرید راهبردی خدمات سلامت وجود ندارد؛ عواقب این جدایی امکان یکپارچگی و انسجام ساختاری نظام تامین اجتماعی و نهایتاً تحقق اصول اساسی برشمرده فوق را در سایه شک و تردید بسیار قرار داده است.

یکی از موضوعاتی که همواره متولیان وزارت بهداشت در توجیه ضرورت الحاق صندوق‌های بیمه سلامت به وزارت بهداشت ذکر می‌کنند، پرسش اساسی این است که در شرایط کنونی که وزارت بهداشت خود بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده خدمات سلامت کشور است و اساساً جایگاه تولیدی خود (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی اجرایی و نظارت) را فدای تصدی‌گری و ارائه خدمات و بیمارستان‌داری کرده، چه تضمینی وجود دارد که در صورت الحاق صندوق‌های بیمه سلامت به این وزارت، منابع مالی که هم‌اینگ با هزاران مشقت صرف خرید خدمات سلامت، عمدتاً از مراکز وابسته به همین وزارت بهداشت، می‌شوند صرف تعمیر و بازسازی بیمارستان‌های فرسوده وزارت بهداشت و یا پرداخت کارانه‌ها به پزشکان نشود. همان‌طور که مرور تجربه گذشته طی سال‌های ۱۳۵۵ لغایت ۱۳۶۸ این امر را تصدیق می‌کند، براساس مشروح مذاکرات مجلس (۱۳۶۸/۲/۱۰) اهم دلایل شکست تجربه تجتمع بیمه‌های سلامت در ایران بر اساس اظهارات نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی این موارد بوده است:

- صرف حق بیمه‌ها در مصارف نابجا
- عدم تامین امکانات درمانی لازم بیمه‌شدگان
- در مقابل حق بیمه دریافتی
- عدم پاسخگویی وزارت بهداشت به مجلس با وجود مصوبات مکرر مجلس در بودجه‌های سنواتی (تبصره‌های ۱۰ بودجه سال ۱۳۶۴ و...)
- بی‌اعتبار شدن دفترچه‌های درمانی
- پذیرفته نشدن بیمه‌شدگان پشت در مراکز ملکی متعلق به خود
- صرف منابع مالی سهم درمان تامین اجتماعی در مصارف دیگری غیر از درمان بیمه‌شدگان
- ساخت و تجهیز بالغ بر ۱۰۰ بیمارستان در راستای سیاست‌های وزارت بهداشت از محل منابع درمان تامین اجتماعی
- عدم پاسخگویی مناسب وزارت بهداشت در جهت کمیت و کیفیت خدمات ارائه‌شده به بیمه‌شدگان تامین اجتماعی
- عدم پاسخگویی وزارت بهداشت در قبال هزینه‌کرد منابع سهم درمان تامین اجتماعی به مراجع ذی‌ربط

از طرف دیگر سیاست‌های کلی سلامت نیز به‌وضوح بر رف این آسیب تاکید کرده و در مطلع بند ۷ سیاست‌های کلی سلامت پسر تفکیک وظایف تولیت، تامین مالی و تدارک خدمات در حوزه سلامت تاکید شده است. تجارب کشورهای که مسیر نسبتاً موفق‌ی را در جریان اصلاحات نظام سلامت (به‌طور مثال ترکیه) طی کرده‌اند گواه این مدعاست که دو موضوع منع اشتغال همزمان پزشکان در بخش‌های دولتی و خصوصی (که در تبصره ۲ بند «ب» ماده ۳۲ قانون برنامه پنجم توسعه نیز تکلیف شده لکن با بی‌توجهی کامل مواجه شد)، تفکیک تدارک و ارائه خدمات از نهاد تولیت (وزارت بهداشت)، از قاطا بسیار کلیدی اصلاحات نظام‌های سلامت بوده است.

محوریت وزارت بهداشت برای نظام بیمه‌ای به‌عنوان تامین‌کننده منابع به معنای همان مضمون تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مبنی بر لازم‌الاجرا بودن خط‌مشی‌های مصوب وزارت بهداشت در زمینه امور بهداشتی، درمانی و سطح‌بندی خدمات درمانی و سامانه ارجاع برای وزارت رفاه و قلمروهای آن است؛ فلذا این تصمیم مجلس محترم نیز خلاف اصول مصرح مشروح در سیاست‌های کلی سلامت، تولیت (غیرمستقیم) سازمان بیمه‌گر سلامت را، به‌عنوان یکی از دستگاه‌های اجرای قلمرو رفاه و تامین اجتماعی، به وزارت بهداشت داده است.

به‌مدیرکل دفتر بیمه‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی